

Activists Generating Transcendent Security from the Perspective of Nahj al-Balaghah

Received: 11/03/2022

Accepted: 05/06/2022

Sayyed Hamid Mousavi[—]Najaf Lakzaee[—]Mostafa Delshad Tehrani[—]

(94-121)

The formation of sustainable security in its dimensions, levels and types in various security schools depends on specific theoretical foundations and influential components. Among the effective components in these schools are the actors for whom the task of producing security and protecting it is defined. The purpose of this article is to identify the security actors in Nahj al-Balaghah with a transcendental and transcendental perspective to create a system based on sustainable security and seeks to answer the question that Who are they? This article is influenced by the transcendent security approach and is organized by qualitative content analysis method. According to the monotheistic principles of security in the view of the wise and just Alawite system, the main difference between the activists of Imam Ali (AS) security school is in the divine approach and originality to the hereafter and at the same time accepting worldly security with its own principles, values and tendencies. In this view, God as the main actor of security has sovereignty and the leaders and guides in the Imamate system - the ummah along with organizational and sovereign actors in various types of security in a monotheistic society are responsible for creating a safe world - hereafter.

Keywords: Imam Ali (AS), Nahj al-Balaghah, Wise and fair system, transcendent security, security-producing activists.

— . PhD student of Nahj al-Balagheh Sciences and Sciences, Faculty of Hadith Sciences and Sciences, Qur'an and Hadith University, Qom, Iran, (corresponding author), s.hamid.mousavii@gmail.com.

— . Professor of the Department of Political Science, History, Faculty of Civilization and Political Studies, Baqer Uloom University, Qom, Iran, nlakzaee@gmail.com.

— . Assistant Professor, Nahj al-Balagheh Science and Education Department, Faculty of Hadith Science and Education, Quran and Hadith University, Tehran, Iran, delshadtehrani@gmail.com.



کنشگران مولد امنیت متعالیه از دیدگاه نهج البلاغه

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۳/۱۵

سید حمید موسوی

نجف لکنزایی

مصطفی دلشاد تهرانی

(۹۴-۱۲۱)

چکیده

شکل‌گیری امنیت پایدار در ابعاد، سطوح و انواع آن در مکاتب گوناگون امنیتی در گرو مبانی خاص نظری و مؤلفه‌های تأثیرگذار است. از جمله مؤلفه‌های مؤثر در این مکاتب، کنشگرانی هستند که وظیفه تولید امنیت و پاسداری از آن برای ایشان تعریف می‌شود. هدف این مقاله شناسایی کنشگران امنیت در نهج البلاغه با نگاهی فرازمانی و فرامکانی برای ایجاد نظامی مبتنی بر امنیت پایدار بوده و درصدد پاسخ به این پرسش است که «مجریان و کنشگران تولید امنیت از دیدگاه امام علی (ع) در نهج البلاغه چه کسانی هستند؟» این مقاله متأثر از رویکرد امنیت متعالی و با روش تحلیل محتوای کیفی، سامان یافته است. با توجه به مبانی توحیدی امنیت در نگرش نظام عاقلانه و عادلانه علوی، عمده تفاوت کنشگران مکتب امنیتی امام علی (ع)، در رویکرد الهی و اصالت‌بخش به آخرت و در عین حال پذیرش تأمین امنیت دنیوی با مبانی، ارزش‌ها و گرایش‌های خاص خود است. در این نوع نگاه، خداوند به‌عنوان کنشگر اصلی امنیت حاکمیت داشته و پیشوایان و رهروان هدایت همسو با هم در نظام امامت-امت در کنار کنشگران سازمانی و حاکمیتی در انواع گوناگون امنیت در جامعه توحیدی عهده‌دار ساخت فضای امن دنیایی-آخرتی هستند.

واژگان کلیدی: امام علی (ع)، نهج البلاغه، نظام عاقلانه عادلانه، امنیت متعالیه، کنشگران مولد امنیت.

- . دانشجوی دکتری علوم و معارف نهج البلاغه، دانشکده علوم و معارف حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران، (نویسنده مسئول)، s.hamid.mousavii@gmail.com.
- . استاد گروه علوم سیاسی، دانشکده تاریخ، تمدن و مطالعات سیاسی، دانشگاه باقر العلوم (ع)، قم، ایران، nlakzaee@gmail.com.
- . استادیار گروه علوم و معارف نهج البلاغه، دانشکده علوم و معارف حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث، تهران، ایران، delshadtehrani@gmail.com.

۱. مقدمه: بیان مسئله و پیشینه

جهان امروز درگیر ناامنی‌های گسترده و متنوع است. جهان اسلام نیز وضع خوبی از جهت امنیتی ندارد. بنابراین، برعهده پژوهشگران است که برای خروج از این وضعیت راهکار ارائه کنند. به نظر می‌رسد برخی از علل انحطاط امنیتی موجود به کنشگران امنیت در سطوح گوناگون مربوط می‌شود. شکل‌گیری امنیت پایدار در تمامی سطوح و ابعادش و مدار عوامل و شرایط بسیاری است؛ عواملی که با تغییر در ساحات آن، تعریف امنیت، کارکردها و پیامدهای آن دگرگون شده و طیف گسترده‌ای از عملکردها را دربر خواهد داشت. درحقیقت، تغییر در عوامل ریشه‌ای و شکل‌دهنده، ازجمله مبانی، اصول، روش‌ها، اهداف، غایات و... نوع متفاوتی از مکاتب و سیستم‌های امنیتی را سامان خواهد داد. دراین میان، یکی از مهم‌ترین مباحث درباره موضوع امنیت و مؤلفه‌های اساسی شکل‌دهنده آن در علوم امنیتی و بالتبع امنیت اسلامی، بحث کنشگران امنیت یعنی تولیدکنندگان و حافظان آن می‌باشد که می‌توان با عنوان «کُنشگر»، «بازیگر»، «مجری» و «کارگزار» از ایشان یاد کرد. کارگزاران ازجمله عناصر مؤثر در هر مکتب فکری و نظام سیاسی و امنیتی می‌باشند. می‌توان گفت تفکر و کارکرد کارگزار نشان‌دهنده سمت‌وسوی هر نظام سیاسی و امنیتی و فرهنگ ایجاد آن است. کارگزار امنیتی در ایجاد و ثبات امنیت نقش بسزایی داشته و شاید بتوان گفت امنیت پایدار در گرو این عنصر تعریف می‌شود. کارگزاران امنیتی در سامان‌دهی فضای زندگی جوامع برای سعادت دنیوی و اخروی نقشی اساسی ایفا کرده و می‌توانند با تصمیم‌سازی و عملکردهای خود موجبات رشد و تعالی فرد و جامعه یا زمینه‌های سقوط جوامع و انسان‌ها را در تمامی ابعاد فراهم آورند و به‌نام امنیت برای انسان و جوامع ظلم‌ها را روا سازند.

باتوجه به خاستگاه و مبانی شکل‌دهنده به مکاتب و نظام‌های فکری، سیاسی و امنیتی می‌توان کنشگران امنیت را در دو الگوی متعالی و متدانی طبقه‌بندی کرد. امنیت متعالی در مدار صراط مستقیم در حرکت است و وضعیتی جامع دارد و ابعاد دنیوی و اخروی، ظاهری و باطنی، جسمی و روحی، فردی و خانوادگی و اجتماعی تک‌تک افراد جامعه را پوشش می‌دهد. باتوجه به آنچه گفته شد، در این مقاله با بهره‌گیری از آموزه‌های نهج البلاغه به دنبال کشف کنشگران امنیت هستیم.

البته تاکنون پژوهش‌های بسیاری در موضوع امنیت در نهج‌البلاغه و آموزه‌های علوی صورت پذیرفته است؛ از جمله: منصور طبعی در کتاب «سیمای امنیت در نهج‌البلاغه» (۱۳۷۹) به تبیین مفهوم و اهمیت امنیت و انواع امنیت (فردی، سیاسی، اقتصادی، قضائی و صلح و امنیت) پرداخته است؛ مصطفی دلشاد تهرانی در کتاب «وادی ایمن - ساختارشناسی امنیت در نهج‌البلاغه» (۱۳۹۴) به بیان ملازمات امنیت (حقوق، آزادی، اخلاق، عدالت و قانون) در ایجاد امنیت پایدار پرداخته است؛ و موارد دیگری که در کتابنامه مشخصات آن‌ها آمده است؛ اما هیچ‌کدام از آن‌ها به مباحث مربوط به کنشگران امنیت با رویکرد نظری این مقاله پرداخته است و این مقاله اولین گام در این خصوص می‌باشد.^۱

۲. چهارچوب نظری

پایگاه نظری مقاله، نظریه «امنیت متعالیه» است.^۲ مفهوم متعالیه، هم اشاره به مبنای فلسفی این نظریه دارد (مکتب حکمت متعالیه ملاصدرا و حکمای این مکتب) و هم به مبنای قرآنی^۳ یعنی کلمه توحید که امنیت در آن است (لکزایی، ۱۳۹۸، ۱۹). این نظریه صرفاً به بُعد اخروی امنیت نمی‌پردازد بلکه بر تأمین امنیت دنیوی در همه ابعاد تأکید داشته و حتی تأمین امنیت دنیوی مطلوب را فقط با این نظریه ممکن می‌داند. در تراحمات، این نظریه

۱. مقاله حاضر مستخرج از بخشی از رساله دکتری نگارنده با عنوان «نظریه امنیت در اندیشه و سیره امام علی (ع)» در دانشگاه قرآن و حدیث به راهنمایی استاد دکتر نجف لکزایی و مشاوره استاد دکتر مصطفی دلشاد تهرانی می‌باشد.

۲. «نظریه امنیت متعالیه» توسط استاد دکتر نجف لکزایی طرح و تبیین و پس از چندین جلسه کارشناسی تخصصی نقد و بررسی از سوی دبیرخانه هیئت حمایت از کرسی‌های نظریه‌پردازی در آذرماه ۱۳۹۷ به‌عنوان نظریه پذیرفته شده است (برای مطالعه بیشتر، ر.ک: لکزایی، نجف، امنیت متعالیه).

۳. «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (آل عمران، ۶۴)؛ بگو: ای اهل کتاب بیایید به‌سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خدای یگانه را نپرستیم و چیزی را همتای او قرار ندهیم؛ و بعضی از ما، بعضی دیگر را - غیر از خدای یگانه - به‌خدایی نپذیرد. هرگاه (از این دعوت) سرباز زنند، بگویند گواه باشید که ما مسلمانیم».

ارزش‌های معنوی را بر ارزش‌های دنیوی مقدم می‌کند؛ به عبارت دیگر، عقبی بر دنیا مقدم است و لذا تعیین‌کننده سمت و سوی آن است (لکزایی، ۱۳۹۸، ۴۳۰).

نظریه مذکور نیز به نوبه خود از مبانی نظری خاصی الهام گرفته است که نظریه دو فطرت و مفاهیم متّخذ از آن، مبنای آن و البته این مقاله می‌باشد. براساس چهارچوب مفهومی و نظری دو فطرت، که امام خمینی علیه السلام ارائه کرده‌اند، در حوزه علوم انسانی و از جمله در حوزه علوم و مکاتب امنیتی، از دو الگوی کلان فکری و اندیشه‌ای می‌توانیم سخن بگوییم: «الگوی متعالیه» که محصول جنود عقل و مبتنی بر فطرت مخموره می‌باشد و وحدت دارد و «الگوهای متدانیه یا متعارف» که محصول جنود جهل و فطرت محجوبه است و کثرت دارد. در «الگوی متدانیه» تمام تلاش‌ها مصروف بقای دنیوی است، در حالی که در «الگوی متعالیه و الهی» بقای دنیوی مقدمه بقای ابدی فرض می‌شود. همین مسئله تفاوت جوهری دو نگاه در باب امنیت را نشان می‌دهد که باعث می‌شود تمامی عناصر دو مکتب نیز از یکدیگر متفاوت شوند.

جدول ۱: الگوی امنیت متعالیه و امنیت متدانیه

نمونه مکاتب و نظریه‌های امنیتی	کاربرد در حوزه علوم امنیتی	کاربرد در حوزه علوم انسانی	الگوی کلان فکری و نظریه‌پردازی	ردیف
مکتب امنیتی متعالیه	علوم امنیتی متعالیه: بقای دنیوی مقدمه بقای اخروی و ابدی و لقاءالله است	علوم انسانی متعالیه (عقباگرا) الهی / اسلامی	الگوی متعالیه / اسلامی / دنیا مزرعه و مقدمه آخرت است	۱
مکتب امنیتی رئالیستی مکتب امنیت ایدئالیستی مکتب امنیتی کپنهاک و...	علوم امنیتی: فقط بقای دنیوی موضوع مطالعه است	علوم انسانی متدانیه (دنیاگرا)	الگوی متدانیه / سکولاریستی / دنیا قطع نظر از آخرت موضوع مطالعه است.	۲

(منبع: یافته‌های پژوهش)

در این دیدگاه، اگر انسان با تکیه بر فطرت مخموره رو به آسمان داشته باشد و از باند زمین پرواز کند، از همه محدودیت‌ها رها شده و چون محدودیتی نیست جنگی هم نخواهد بود (امام خمینی، ۱۳۹۲، ۱۷۹ و ۱۸۰). در حقیقت، شکوفایی و ریاست فطرت مخموره

در مسیر عدم تعلقات مادی موجب تولید امنیت و شکوفایی و ریاست فطرت محجوبه همراه با تعلقات مادی موجب تولید ناامنی است؛ ازاین‌رو، تربیت و عمل براساس فطرت ثانویه، یعنی فطرت محجوبه، بنیاد همه تهدیدها است (موسوی خمینی، ۱۳۷۸، ۲۰: ۳۹۷).

۳. روش پژوهش

این پژوهش با روش تحلیل محتوای کیفی با رویکرد جهت‌دار سامان یافته است. تحلیل محتوا به‌عنوان یک روش پژوهش یک نوع قرائت نظام‌مند از بدنه یک متن، تصاویر یا نمادهاست؛ این روش قابلیت دارد در تحلیل متون دینی به‌کار رود. تحلیل محتوا یک روش پژوهش برای ایجاد استنتاج‌های تکرارپذیر و معتبر از یک متن یا هر موضوع معنادار دیگری با استفاده از مفاد آن است که می‌تواند با دو شیوه کمی و کیفی انجام پذیرد (نوبری و یعقوبی هیق، ۱۳۹۹، ۴۴). تحلیل محتوای کیفی با مضامین آشکار و نهان متن سروکار داشته و در فرایندی منظم، در پی کشف و استنباط روابط است. وقتی پژوهشگر سعی در استنباط معنای خاص از متن از طریق طبقه‌بندی کلمات و پی‌بردن به شباهت‌ها، تفاوت‌ها و روابط بین آن‌ها دارد تحلیل محتوای کیفی را پیش می‌گیرد (نوبری و جامعی، ۱۳۹۹، ۱۸: ۴۴). گاه نظریه یا پژوهش‌هایی قبلی درباره یک پدیده مطرح‌اند که یا کامل نیستند یا به توصیف‌های بیشتری نیازمندند. در این حالت، پژوهشگر کیفی، روش تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار را برمی‌گزیند. این روش را معمولاً براساس روش قیاسی متکی بر نظریه طبقه‌بندی می‌کنند که تمایزات آن با دیگر روش‌ها براساس نقش نظریه در آن‌هاست. هدف تحلیل محتوای جهت‌دار معتبر ساختن و گسترش دادن مفهومی چهارچوب نظریه یا خود نظریه است. نظریه از پیش موجود می‌تواند به تمرکز بر پرسش‌های پژوهش کمک کند. این امر پیش‌بینی‌هایی را درباره متغیرهای موردنظر یا درباره ارتباط بین متغیرها فراهم می‌کند. این موضوع می‌تواند به تعیین طرح رمزگذاری اولیه و ارتباط بین رموزها کمک کند، که نشان‌دهنده مقوله‌بندی به‌شیوه قیاسی است. تحلیل محتوا با رویکرد جهت‌دار نسبت به دیگر روش‌های تحلیل محتوا از فرایند ساختارمندتری برخوردار است. با به‌کار بردن نظریه‌های موجود یا پژوهش‌های

پیشین پژوهشگران کار خود را با شناسایی متغیرها یا مفاهیم اصلی برای طبقه‌بندی رمزهای اولیه آغاز کرده و سپس تعریف‌های عملیاتی برای هر مقوله با استفاده از نظریه مشخص می‌شود (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰، ۶: ۲۴). مفاهیم متّخذ از نظریه امنیت متعالیه و به‌طور خاص تولیدکنندگان امنیت و حافظان آن (علت فاعلی) که در این مقاله با عنوان کنشگران مولّد امنیت از آن یاد می‌شود، پایگاه نظری پیشینی این مقاله است که تحلیل محتوایی گزاره‌های نهج البلاغه و سؤال اصلی را جهت می‌دهد. علاوه بر قیاس صورت‌گرفته در ذیل هر کدام از مؤلفه‌های اصلی، در استنباط و تحلیل داده‌ها برای استخراج مقوله‌های اصلی و زیرمقوله‌های مرتبط به‌صورت اکتشافی و استقرایی عمل شده و کدگذاری و استنتاج براساس آن شکل گرفته است.

۴. مفهوم‌شناسی

۴-۱. امنیت

امنیت در زبان فارسی به ایمن‌شدن، در امن بودن و بی‌بیمی (معین، ۱۳۸۸، ۱: ۳۵۴) بی‌خوفی، ایمنی، آرزو و امید، مراد و خواهش (دهخدا، ۱۳۷۳، ۳: ۳۳۷۶-۳۳۷۷) و در زبان عربی به اطمینان، حمایت، ضمانت، محافظت (ابن‌فارس، ۱۴۰۴، ۱: ۱۳۳) اطمینان نفس و زوال خوف (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ۹۰؛ مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴، ۱۸: ۲۳) ایمنی، آرامش قلب و خاطر جمع بودن (قرشی بنابی، ۱۳۷۱، ۱: ۱۲۳) تعریف شده است.

برای امنیت معنای اصطلاحی اجماعی وجود ندارد. برخی صاحب‌نظران با رویکردی ایجابی امنیت را به «پاسداری از بقای سیاسی و سرزمین و کشور، تضمین بقای ارگانیک آن، ایجاد شرایط لازم برای رفاه اقتصادی، و تأمین و حفظ هماهنگی میان اقوام و طوایف درون کشور» (سایق، ۱۳۷۷، ۱۸) تعریف کرده‌اند. عده‌ای دیگر در تعریف امنیت رویکردی سلبی دارند. آرنولد و لفرز در تعریف امنیت می‌نویسد: «امنیت در معنای عینی یعنی فقدان تهدید نسبت به ارزش‌های کسب‌شده و در معنای ذهنی یعنی فقدان هراس از اینکه ارزش‌های مزبور مورد حمله قرار گیرد» (بوزان، ۱۳۷۸، ۳۲). از دیدگاه جان مروز، امنیت یعنی آزادی نسبی از تهدیدهای خطرناک (مطهری، ۱۳۸۵، ۳۳: ۱۰۸).

از نظر این مقاله مفهوم امنیت از مفاهیم سازه‌ای است. مفاهیم سازه‌ای در برابر مفاهیم بسیط به کار می‌رود. مفاهیم بسیط با تعریف‌های یک‌جمله‌ای قابل فهم هستند، برخلاف مفاهیم سازه‌ای که هر قدر جملات بیشتری در تعریف بیاید، بر پیچیدگی مفهوم می‌افزاید. برای مثال، «راستی» را اگر به گفتار مطابق با واقع تعریف کنیم، برای همه قابل فهم است؛ اما اگر امنیت را به عدم خوف یا آرامش یا عدم تهدید یا حفظ ارزش‌ها تعریف کنیم، ابهام آن همچنان باقی است؛ چون بلافاصله از چستی جواب پرسش می‌شود. ارزش چیست؟ تهدید چیست؟ تعریف مفاهیم سازه‌ای باید از طریق ارائه سازه باشد. به نظر می‌رسد سازه امنیت سه وجهی است. می‌گوییم الف از تعرض ب مصونیت دارد تا به وضعیت ج برسد یا در وضعیت ج قرار بگیرد. این که چگونه از تعرض ب مصونیت داشته باشد، براساس نظریه دو فطرت که در چهارچوب نظری بیان خواهد شد دو وضعیت متصور است:

الف) جنبه ایجابی: با انجام برخی فعالیت‌ها یا با آراسته شدن به برخی ویژگی‌ها یا با اعتقاد به برخی ارزش‌ها؛

ب) جنبه سلبی: با ترک برخی کارها، با پرهیز از برخی رذایل و طرد برخی اعتقادات. هر مکتب و نظریه امنیتی، این سازه را با نظام فرهنگی و ارزشی خودش بنا می‌کند. ما مفهوم امنیت را با بقای ابدی پیوند می‌زنیم؛ یعنی تقدیم ارزش‌های الهی بر ارزش‌های مادی؛ به عبارتی، اقداماتی که بقای ابدی و لقا و رضای الهی در آن است و ترک هر کاری که خشم خدا در آن است و کسی هم در این مسیر متعرض ما نشود، چون برای انسان بقای ابدی مهم است. بنابراین، هر نوع امنیتی به معنای دستیابی به وضعیتی است که الف از آسیب، تعرض و تهدید ب مصون باشد تا به ج برسد یا در وضعیت ج باشد (لکزایی، ۱۳۹۸، ۴۱۱ و ۴۱۲).

۴-۲. علل اربعه و علت فاعلی

نظریه امنیت متعالیه بر پایه الگوی فلسفی علل اربعه صورت‌بندی شده است. به نظر فلاسفه، هر امر حادثی نیازمند چهار علت است تا بتواند وجود واقعی پیدا کند. این علل عبارت‌اند از: علت مادی، علت صوری، علت فاعلی و علت غایی. در تبیین علل اربعه باید

چنین گفت که برای علت به معنای عامش یعنی هر موجودی که موجود دیگری به نحوی وابسته به آن است، تقسیماتی می‌توان در نظر گرفت. بنابراین، علت براساس استقرا به چهار قسم تقسیم می‌شود:

(الف) علت مادی؛ یعنی عنصری که زمینه پیدایش معلول است و در ضمن آن باقی می‌ماند، مانند عناصر تشکیل دهنده گیاه.

(ب) علت صوری؛ یعنی صورت و فعلیتی که در ماده پدید می‌آید و منشأ آثار جدیدی در آن می‌گردد، مانند صورت نباتی. این دو قسم از اقسام علل داخلی هستند و مجموعاً وجود معلول را تشکیل می‌دهند.

(ج) علت فاعلی؛ یعنی علتی که معلول از آن پدید می‌آید، مانند کسی که صورت را در ماده ایجاد می‌کند.

(د) علت غایی؛ یعنی هدف و انگیزه‌ای که فاعل را وادار به انجام دادن کار می‌کند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ۲: ۲۳-۳۵)

بنابراین، وقتی از فلسفه پدیده‌ای که نبوده و به وجود آمده است پرسش می‌کنیم، در واقع از این چهار علت سؤال کرده‌ایم. در این مقاله صرفاً بر علت فاعلی تمرکز شده است. برای اینکه مطالب فلسفی مذکور در خصوص علت فاعلی امنیت به ادبیات رایج در متون امنیتی نزدیک شود، می‌توانیم این نکته را به این اشکال مطرح کنیم: «گنشگران امنیت چه کسانی هستند و چه ویژگی‌هایی دارند؟ افراد، کارگزاران، نهادها و سازمان‌هایی که شایستگی و توان تولید و حفاظت از امنیت را دارند چه کسانی هستند و چه شرایطی دارند؟»

۳-۴. گنشگر (کارگزار/ بازیگر)

گنشگر (کارگزار/ علت فاعلی) اشاره دارد به خصوصیات، شخصیت و توانایی‌های عاملان در درک، دریافت، دستیابی، تفسیر، تحلیل، ارزیابی و سنجش و اینکه به‌عنوان عامل بر جهانی که آن‌ها را احاطه کرده است تأثیر می‌گذارند و هر ساختار (نظام) کارگزاران خاص خود را دارد (کلاه‌چیان، ۱۳۹۸، ۲۳)؛ هر نظامی مبانی، ارزش‌ها، روش‌ها و عناصر ویژه خود را داشته که با آن شناخته می‌شود. با مشاهده عینی و مطالعه پیرامون وضعیت هستی، با

دو نظام متقابل یعنی نظام الهی و طاغوتی مواجه می‌شویم. در تقابل دو نظام الهی و طاغوتی یا نظام عقل و جهل (برگرفته از نظریه امنیت متعالیه و دو فطرت) و تعریف امنیت به ایجابی (تأمین امنیت) و سلبی (تهدید امنیت)، دو نوع کنشگر مولد امنیت (امنیت‌ساز) و ناامنی (امنیت‌سوز) در آموزه‌های نهج البلاغه در قالب کنشگران نظام هدایت و ضلالت قابل طرح و تبیین است. در نظام الهی (هدایت) انسان و طبیعت ظرف تجلی قدرت الهی هستند و تنها کسانی (کنشگرانی) قادر به تولید امنیت واقعی هستند که از صفات و شروط الهی برخوردار باشند (لکزایی، ۱۳۹۸، ۱۴۸). باتوجه به گستردگی بحث در این نوشتار فقط به بیان کنشگران مولد امنیت در نظام هدایت پرداخته می‌شود که البته با این تبیین کارگزاران نظام ضلالت نیز قابل درک خواهد بود.

۵. یافته‌های پژوهش

در این پژوهش با تأثیرپذیری از نظریه امنیت متعالیه، کنشگران امنیت در سه دسته کنشگران ماورایی، کنشگران انسانی و کنشگران سازمانی دسته‌بندی می‌شوند. مقصود از کنشگران ماورایی، علل و عوامل غیرمادی مؤثر در امنیت است که شامل خدای متعال و فرشتگان الهی است. در تبیین تفاوت کنشگران انسانی و سازمانی ذکر این نکته لازم است که مقصود از کنشگران انسانی اشخاص حقیقی و افراد جامعه هستند که بدون ملاحظه نقش سازمانی و جایگاه حقوقی در ساختار نظام سیاسی، در تولید امنیت و حراست از آن نقش دارند و مقصود از کنشگران سازمانی، جایگاه حقوقی افراد و نقشی است که کنشگران امنیت از دیدگاه نهادی و سازمانی در تولید امنیت و حفاظت از آن ایفا می‌کنند. بنابراین، هرچند کنشگران سازمانی نیز افرادی خارج از محدوده افراد انسانی نیستند، چون از دیدگاه نقش سازمانی و شخصیت حقوقی به آن نگریسته می‌شود، با عنوان کنشگران سازمانی از ایشان یاد شد.

جدول ۲: مؤلفه‌های اصلی کنشگران امنیت متعالیه

کنشگران ماورایی
کنشگران انسانی
کنشگران سازمانی

(منبع: یافته‌های پژوهش)

پس از تعیین پرسش اصلی و رویکرد تحلیل محتوا، کل متن نهج البلاغه مورد مطالعه دقیق و جدی قرار گرفت. صرف نظر از متونی که دلالت‌های ضعیف یا با واسطه‌های غیر آشکار با موضوع مقاله داشتند، تعداد ۱۲۱ متن دارای ارتباط گویاتر با موضوع مقاله انتخاب شد. در این میان، ۱۱ متن مرتبط با مؤلفه کنشگران ماورایی امنیت، ۴۷ متن مرتبط با کنشگران انسانی و ۴۲ متن در ارتباط با کنشگران سازمانی امنیت جانمایی شدند. با توجه به طولانی بودن بسیاری از عباراتی که به عنوان واحد تحلیل برگزیده می‌شود، درج آن‌ها در متن مقاله و جدول‌ها میسر نمی‌باشد. برای رفع این مشکل در جدول داده‌های پژوهش علاوه بر اشاره به شماره خطبه، نامه یا حکمت، با محور قرار دادن یکی از چاپ‌های متداول نهج البلاغه^۱ که اقدام به شماره‌گذاری بندهای متون طولانی خطبه‌ها و نامه‌ها کرده است، شماره بند مربوطه نیز قید می‌شود.

۵-۱. جداول مقوله‌بندی داده‌های پژوهش

در جدول‌های ذیل داده‌ها و مقوله‌بندی‌های هر یک مؤلفه‌های سه‌گانه کنشگران امنیت، به تفکیک ارائه می‌شود؛ پس از آن، تحلیل داده‌ها و مقوله‌بندی مورد بحث قرار می‌گیرد.

جدول ۳: مقوله‌بندی داده‌های کنشگران ماورایی امنیت

مقوله ثانویه	مقوله اولیه	متن
خدایند، علت‌العلل جبریت	خداوند، امن‌قراردهنده محل زندگی انسان و هشداردهنده نسبت به عداوت شیطان	خطبه ۱؛ بند ۱۲
	خداوند، علت تولید وحدت و امنیت به وسیله پیامبر	خطبه ۹۶؛ بند ۲
	کسب رضایت الهی، خاستگاه تأمین امنیت	خطبه ۱۴۷؛ بند ۵

		خطبه ۱۶۰؛ بند ۱
	خداوند، تأمین‌کننده امنیت به‌وسیله کوه‌ها، باران و ستارگان	خطبه ۱۷۱؛ بند ۱
		خطبه ۱۱۵؛ بندهای ۳ تا ۵
		خطبه ۱۴۳؛ بندهای ۳ تا ۵
		خطبه ۱۸۲؛ بند ۲
	پناه‌بردن به خداوند در مهالک و در کلیه امور، عامل تأمین امنیت	خطبه ۲۱۵؛ بند ۲
خطبه ۲۲۷؛ بند ۱		
نامه ۳۱؛ بند ۶		
فرشتگان؛ مجریان ماورایی امنیت	فرشتگان، تأمین‌کننده امنیت وحی و بندگان خدا	خطبه ۱؛ بند ۹
	فرشتگان، امنای الهی بر وحی و تأمین‌کنندگان امنیت وحی در مراحل نزول آن	خطبه ۹۱؛ بند ۱۵
	حفاظت فرشتگان از انسان در برابر حوادث	حکمت ۲۰۱

(منبع: یافته‌های پژوهش)

جدول ۴: جدول مقوله‌بندی کنشگران انسانی امنیت

مقوله ثانویه	مقوله اولیه	متن
پیشوایان و رهبران هدایت	پیامبران و رسولان: خارج‌ساختن جامعه از جاهلیت، رسالت پیامبران	خطبه ۱؛ بند ۱۳
		خطبه ۲؛ بند ۳ تا ۵
		خطبه ۷۲؛ بند ۱
		خطبه ۹۵
	ائمه: ائمه: میزان علم و علت ازبین‌رفتن جهل	خطبه ۱۴۷؛ بند ۶
		خطبه ۲۳۹
	ائمه: ائمه قوام و ستون دین امنیت‌آفرین	خطبه ۲؛ بند ۶ و ۷
	حجت‌های الهی: وظیفه حجج الهی در مبارزه با ظلم	خطبه ۳؛ بند ۹
	پیامبر: پیامبر عامل وحدت و عزت مؤمنان و تفرقه و ذلت کافران	خطبه ۹۶؛ بند ۲
	ائمه: ائمه هدی واعظ امت و چراغ هدایت و چشمه معرفت	خطبه ۱۰۵؛ بند ۴ و ۵
ائمه: قراردادن جامعه و امت در صراط مستقیم و امن؛ رسالت امامان	خطبه ۱۱۹؛ بند ۵	
۹	اقبال‌کننده به حق؛ سامع و مطیع و ناصر و ناصح امام	خطبه ۶

	خطبه ۱۱۸
خائف (خوف از خدا یا گناه و مرگ و معاد)	خطبه ۸۳؛ بند ۱۰
	حکمت ۲۰۸
پرهیزگار و متقی؛ مبارزه کننده با شهوات و هوای نفس و برخوردار از بصیرت و یقین	خطبه ۸۷؛ بند ۱
مسلم	خطبه ۱۰۶؛ بند ۱
	خطبه ۱۶۷؛ بند ۲
متقی	خطبه ۱۴۷؛ بند ۵
	خطبه ۱۵۷؛ بند ۳
	خطبه ۱۶۷؛ بند ۲
	خطبه ۱۷۶؛ بند ۱۴
	خطبه ۱۹۳؛ بندهای ۸ و ۱۱
	حکمت ۸۲
مؤمنان دارای غیرت دینی؛ اهل تقوا	خطبه ۱۳۰؛ بند ۱ و ۲
زاهد	خطبه ۱۰۳؛ بند ۱
مؤمن	خطبه ۱۰۳؛ بند ۴
مجاهدان بصیر و دین شناس، ناصران امام، احیاکنندگان سنت و امامت کنندگان بدعت	خطبه ۱۲۱؛ بند ۳ و ۴
	خطبه ۱۸۲؛ بندهای ۱۰ تا ۱۲
اهل ورع	حکمت ۴
اهل حُسن خلق	حکمت ۱۰
مؤمن، صابر، موقن، عادل، مجاهد	حکمت ۳۱
مجاهد، زاهد، مهاجر، مطیع، قانع به کفاف، راضی از خدا	حکمت ۴۳
بصیر	حکمت ۴۳۲
تائب	حکمت ۹۴
عاقل	حکمت ۱۱۹
متواضع، حلال خور، خوش خلق، پاک سرشت، منفق، حافظ زبان، دور از آزار، احیاکننده سنت و امامت کننده بدعت	حکمت ۱۲۳
حافظ زبان	حکمت ۶۰
شاگرد نعمت، اداکننده حقوق	حکمت ۲۴۴
	حکمت ۳۷۲
آمر به معروف؛ ناهی از منکر	حکمت ۳۷۳

		حکمت ۳۷۴
		حکمت ۳۷۵
گروه‌های اجتماعی	عالمان، حکیمان، فقیهان (کنشگران فکری، عقیدتی و فرهنگی)	حکمت ۶
		نامه ۵۳؛ بند ۱۸
	مؤدیان مالیات، تجار و صنعتگران (فعالان اقتصادی)	حکمت ۹۰
		نامه ۵۳؛ بند ۲۰
جامعه و امت	امت مجاهد، بصیر، دین‌شناس و سامع و مطیع و ناصر و ناصح نسبت به امام جامعه	خطبه ۶
		خطبه ۱۱۸
		خطبه ۱۲۱؛ بندهای ۳ و ۴
		خطبه ۱۸۲؛ بندهای ۹ تا ۱۲
	حکمت ۲۶۱	
	امت متحد و منسجم و مجاهد و مقاوم و اهل استقامت در ظل ولایت ولی خدا	خطبه ۱۹۲؛ بندهای ۱۳ و ۲۹ تا ۳۷

(منبع: یافته‌های پژوهش)

جدول ۵: جدول مقوله‌بندی کنشگران سازمانی امنیت

مقوله ثانویه	مقوله اولیه	متن	
کارویژه امنیت در نظام سیاسی اسلام	تأمین عدالت و امنیت؛ فلسفه تشکیل نظام سیاسی عادلانه؛ امنیت‌سوزی در اشکال گوناگون حکومت‌های جائر و نامشروع	خطبه ۴۰؛ بند ۱	
		خطبه ۱۳۱؛ بندهای ۲ و ۴	
	امنیت نتیجه عملکرد صحیح نظام سیاسی امامت / امت	خطبه ۱۱۹؛ بندهای ۳ تا ۵	
		خطبه ۲۱۶؛ بندهای ۲ تا ۴	
		خطبه ۱۳۶؛ بند ۲	
	تأمین امنیت در انواع و سطوح گوناگون آن؛ کارویژه اساسی نظام سیاسی اسلام		نامه ۳۴؛ بند ۲
			نامه ۳۵
			نامه ۳۸؛ بند ۲
			نامه ۴۶
			نامه ۵۰؛ بند ۱ و ۲
		نامه ۵۳؛ بند ۱	

	نقش تغییر و تحولات مثبت یا منفی حاکمان و حکومت‌ها در تولید یا تهدید امنیت جامعه در عرصه‌های گوناگون	نامه ۵۹؛ بند ۱
		نامه ۳۱؛ بند ۳۱
		حکمت ۳۳۲
کُنشگران امنیت سیاسی	حاکم عادل مانع استبداد و خودرأیی و انحصارطلبی قدرتمندان و عامل امنیت سیاسی	خطبه ۳۷؛ بند ۲
		حکمت ۱۶۰
		حکمت ۱۶۱
	تأمین شفافیت و پاسداشت آزادی به‌عنوان دو رکن امنیت سیاسی توسط حاکم عادل	نامه ۱؛ بند ۱ و ۲
		نامه ۵۴؛ بند ۱
		نامه ۴۶
در کدگذاری کُنشگران امنیت نظامی بر ویژگی‌ها و شاخصه‌های مطلوب ایشان از دیدگاه امام‌علی ۷ تأکید شده است.		
کُنشگران امنیت نظامی	جایگاه ویژه نیروهای مسلح در نظام امنیتی دولت اسلامی	نامه ۵۳؛ بند ۲۰
		نامه ۵۳؛ بند ۲۱
	دقت بسیار در انتخاب فرماندهان ارشد با توجه به معیار سلامت نفس	خطبه ۱۱
		خطبه ۱۱۹؛ بند ۲
	ایمان و شجاعت و بصیرت و اطاعت از فرمانده و امام	نامه ۴
		نامه ۱۶
بصیرت و مهارت نظامی؛ شجاعت ایمان‌محور	نامه ۴۲	
	اتکاپذیری برای اقامه دین	
کُنشگران امنیت فرهنگی	تعلیم و تربیت، اقامه سنت و نفی بدعت از وظایف حکومت	خطبه ۳۴؛ بند ۳
		خطبه ۱۶۴؛ بند ۲
		حکمت ۷۳
	حکومت و عوامل آن عهده‌دار حفظ سنت‌ها و فرهنگ‌های صحیح حاکم بر جوامع با درایت و ارتباط با حکما	نامه ۵۳؛ بندهای ۱۷ و ۱۸
		نامه ۶۷؛ بند ۱
کُنشگران امنیت اقتصادی	حاکم و کارگزاران حکومتی نهادهای نظامی و اطلاعاتی و نظارتی عوامل تأمین امنیت و سلامت فعالیت‌های آزاد اقتصادی	نامه ۵
		محتوای کامل نامه‌های ۲۰، ۲۵، ۲۶، ۵۱
		خطبه ۴۰
	وظیفه حکومت در تأمین امنیت راه‌های مواصلاتی و تجاری به‌وسیله نیروهای مسلح	نامه ۵۳؛ بندهای ۲۰ و ۲۱
کُنشگران امنیت قضائی	حاکم و کارگزاران حکومتی نهاد قضاء، عهده‌دار تأمین امنیت قضائی	نامه ۵۳؛ ۱ بند ۲۶
		خطبه ۱۱۹؛ بند ۳

۵-۲. تجزیه و تحلیل داده‌ها

۵-۲-۱. کنشگران ماورایی امنیت

توحید زیرساخت بنیادین و مبنای اساسی هستی‌شناختی در نظریه امنیت متعالیه است. باور به فعال علی‌الإطلاق بودن ذات حضرت حق و نفوذ مشیت و اراده او در اداره امور به شکلی اساسی خود را در نظریه امنیت در دیدگاه اسلام نمایان می‌سازد. از دیدگاه فلسفی علت‌العلل بودن خداوند این‌گونه تبیین می‌شود که فقط خدای متعال فاعل مستقل و مبدأ وجود موجودات است و او مؤثر به معنای حقیقی کلمه می‌باشد و هیچ چیز جز او در وجود مؤثر نیست؛ زیرا هیچ چیز دیگری استقلال وجودی که ملاک علیت و ایجاد است ندارد. استقلال همه موجودات نسبی است و همه علل فاعلی وجود در واقع مُعدّات به حساب می‌آیند که معلول را به منبع فیض مبدأ اول نزدیک می‌سازند. اما نظر به ماهیات جوهری و عرضی که عقل اعتبار می‌کند و متلبس به وجود و دارای استقلال هستند، حق تعالی علتی است که همه علل به او منتهی می‌شود؛ یعنی هرچه بدون واسطه به او منتهی شود او علت آن است و هرچه با واسطه به او منتهی گردد او علت آن (علت‌العلل) است و علت هر چیز، علت آن چیز محسوب می‌شود (طباطبایی، ۱۳۸۷، ۳۱۵).

در بحث امنیت نیز هرچند مباحث از نقطه نظر علت‌های مُعدّه آن بررسی می‌شود، دور از نظر نیست که خداوند علت همه آن علت‌هاست و اگر آن کنشگران مانند وجود مبارک انبیا و خاصه پیامبر اکرم ۹ تأثیری در ایجاد امنیت دارند، خداوند این اثر را در ایشان قرار داده و به آن‌ها فاعلیت بخشیده است.

در نهج البلاغه مباحث مفصلی درباره فرشتگان الهی وجود دارد. تأمل در تشریح نقش فرشتگان در اداره امور عالم از دیدگاه علوی نشان می‌دهد که فرشتگان نیز از کنشگران ماورایی امنیت محسوب می‌شود. بخش مفصلی از خطبه اول و خطبه معروف أشباح (خطبه ۹۱) از آفرینش فرشتگان و صفات آنان و کارکرد ایشان در اداره امور عالم سخن می‌گوید که گواهی بر عظمت امیر مؤمنان علیه السلام و ارتباطش با عالم قدس، و بهره‌گیری‌اش از علم بی‌انتهای

الهی است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ۴: ۱۶). همچنین، دیگر عوامل تکوینی الهی همچون کوه‌ها، ستارگان، خورشید، باد، آب و... نقشی اساسی و فاعلی در ایجاد امنیت پایدار دارند که در نهج البلاغه اشارات بسیاری به آن دیده می‌شود.

گفتنی است این بخش از علت فاعلی بحث مفصلی دربردارد که شایسته است در نوشتاری مستقل به آن پرداخته شود. از آنجاکه رسالت این نوشتار به جهات گوناگون محدود به بیان علت فاعلی و کنشگران انسانی و سازمانی است، به این مختصر در بیان کنشگران ماورایی بسنده می‌شود.

۵-۲-۲. کنشگران انسانی امنیت

کنشگران انسانی امنیت در نهج البلاغه در قالب چهار مفهوم پیشوایان و رهبران الهی، آحاد افراد جامعه، گروه‌های اجتماعی و جامعه یا امت دسته‌بندی می‌شود.

۵-۲-۲-۱. پیشوایان هدایت

در نظریه امنیت متعالیه علاوه بر انواع امنیت مادی و دنیوی، بر امنیت و سعادت ابدی انسان تأکید فراوان می‌شود و به این دو در یک مسیر و در امتداد هم نگریسته می‌شود. نقش پیشوایان هدایت در تأمین امنیت در هر دو بُعد دنیوی و اخروی نقشی ممتاز است. از دیدگاه اخروی اساساً هدایتگری پیشوایان هدایت است که انسان را به سرای ابدی امن رهنمون می‌شود و تغییری بنیادین در هستی‌شناسی انسان پدید آورده و خطرات و مهالک حقیقی تهدیدکننده سعادت ابدی را به او می‌نمایاند و سپس راه‌ورسم تقوا را که به معنای مراقبت از نفس در برابر خطرات و مهالک است به انسان می‌آموزد. مهم‌ترین خاستگاه تولید امنیت توسط پیشوایان هدایت، إثاره (برانگیختن و إحيای) عقل بر پایه بنیان‌های توحیدی و الهی به‌عنوان زیربنای ساخت نظمی نوین در جامعه است.^۱ عقل و عقلانیت کانون مقابله با جهل، و نظام توحیدی عاقلانه عادلانه که پیامبران و امامان درصدد تشکیل آن بودند در تقابل با نظام طاغوتی جاهلانه جائزانه‌ای است که شیطان بر آن سلطنت دارد. پیامبران و

۱. « فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذِنُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ يَذَكِّرُوهُمْ مَنَسِي نِعْمَتِهِ وَ يَحْتَجُّوا عَلَيْهِمْ بِالتَّبْلِيغِ وَ يَثِيرُوا لَهُمْ دَفَاتِنَ الْعُقُولِ » (خطبه ۱).

انمه: ساختار فاسد و مفسد جاهلیت را که خاستگاه تولید ظلم و استکبار و ناامنی است، هدف مبارزات خود قرار می‌دهند.^۱

از دیدگاه نهج البلاغه، همان‌گونه که در قرآن کریم نیز تصریح شده است،^۲ الگو و سازوکار تولید امنیت توسط پیشوایان هدایت، الگوی پدری کردن بر افرادی است که ذیل ولایت ایشان از انسان‌های متفرق و پراکنده، به جامعه برادران ایمانی الفت یافته و متحد بدل شده‌اند. در اندیشه علوی وحدت انسان‌ها بر پایه توحید با محوریت اولیای الهی رمز نازل شدن نعمات الهی بر ایشان و تولید امنیت پایدار است.^۳

۵-۲-۲. افراد و آحاد انسان‌ها

فرد به مثابه سلول تشکیل دهنده پیکره جامعه است و تأثیرگذاری و تعامل کامل میان امنیت فرد و چهره‌های گوناگون امنیت اجتماعی برقرار است. اتصاف افراد جامعه به ویژگی‌های اعتقادی و اخلاقی و رفتاری در دو جانب متعالی و ممدوح یا مُتَدانی و نکوهیده، زمینه‌ساز تعالی یا تدانی امنیتی در جامعه است. اولین ویژگی امنیت‌ساز از نگاه امام علی (ع) نفس اسلام است. در نگاه ایشان، اسلام اساساً بنیان امن است و هرکس که به آن ورود کند (مُسلِم) اولاً خود را به حصن ایمنی وارد ساخته^۴ و ثانیاً مسلم حقیقی آن کس است که دیگران از شتر او در امان باشند.^۵ علاوه بر عنوان «مُسلِم» دلالت‌های فاعلی امنیت در بُعد فردی را در یک نگاه کلی می‌توان از رهگذر اتصاف شخص به عناوینی چون «مؤمن»،

۱. خطبه ۲: «أَرْسَلَهُ... وَ النَّاسُ فِي فِتْنٍ انْجَذَمَ فِيهَا حَبْلُ الدِّينِ وَ تَرَعَزَتْ سَوَارِي الْيَقِينِ... بِأَرْضِ عَالِمِهَا مُلْجَمٌ وَ جَاهِلُهَا مُكْرَمٌ»، و خطبه ۹۵: «بَعَثَهُ وَ النَّاسُ ضَلَّالٌ فِي حَيْرَةٍ...» و خطبه ۱: «...لَمَّا بَدَلُ أَكْثَرَ خَلْفِهِ عَهْدَ اللَّهِ إِلَيْهِمْ فَجَاهَلُوا حَقَّهُ...» و بخش‌های زیادی از خطبه قاصعه (۱۹۲).

۲. «وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعاً وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً قَالَفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَاناً وَ كُنْتُمْ عَلَى سَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُم مِّنْهَا» (آل عمران: ۱۰۳).

۳. «فَانظُرُوا إِلَى مَوَاقِعِ نِعْمِ اللَّهِ عَلَيْهِمْ حِينَ بَعَثَ إِلَيْهِمْ رَسُولًا فَعَقَدَ بِمِلَّتِهِ طَاعَتَهُمْ وَ جَمَعَ عَلَى دَعْوَتِهِ الْفِتْهُمْ كَيْفَ نَشَرْتَ النِّعْمَةَ عَلَيْهِمْ جَنَاحَ كَرَامَتِهِ» (خطبه ۱۹۲): «دَفَنَ اللَّهُ بِهِ الضَّغَائِنَ وَ أَطْفَأَ بِهِ الثَّوَائِرَ الْآفَ بِهِ إِخْوَاناً وَ فَرَّقَ بِهِ أَقْرَاناً أَعَزَّ بِهِ الذَّلَّةَ وَ أَذَلَّ بِهِ الْعِزَّةَ» (خطبه ۹۶).

۴. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي شَرَعَ الْإِسْلَامَ... فَجَعَلَهُ أَمْنًا لِمَنْ عَلَقَهُ وَ سَلَمًا لِمَنْ دَخَلَهُ» (خطبه ۱۰۶).

۵. «فَالْمُسْلِمُ مَنْ سَلِمَ الْمُسْلِمُونَ مِنْ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ» (خطبه ۱۶۷).

«متقی»، «عاقل»، «موقن»، «عادل»، «مُجاهد»، «ناصر»، «مُطیع»، «ناصر»، «مُطیع»، «ناصر»، «مُطیع»، «ناصر»، «مُطیع»، «ناصر» (ناصر به معروف و ناهی از منکر) و مانند این‌ها بررسی کرد. در این زمینه، شاخص‌ترین و پربسامدترین ویژگی و عنوان جامع مورد تأکید در نهج البلاغه عنوان «تقوا» است. تقوا در ترجمان صحیحش اساساً به معنای خودمراقبتی است. در اندیشه علوی فرد متقی حتی اگر شهروندی عادی و بدون هیچ جایگاه رسمی یا غیررسمی باشد، به منزله معین، ناصر و ناصح امام جامعه و نظام سیاسی الهی و صاحب اثر در تأمین امنیت تلقی می‌شود و هیچ شخصی از آحاد جامعه اسلامی به قدری دون‌مایه نیست که نتواند با رعایت تقوای فردی و اجتماعی، کمکی هرچند اندک را در این زمینه ارزانی بدارد. در این زمینه، سخنانی از امام علی ۷ صادر شده است که از عموم مردم - حتی کسانی که در چشم مردم از نظر رتبه اجتماعی تحقیر می‌شوند - در خصوص تحقق اهداف حکومت تقاضای کمک و اعانت دارد:

پس بر شما باد به خیرخواهی در حق یکدیگر و کمک نیکوی یکدیگر بر این کار (اقامه حق از سوی نظام اسلامی)... هیچ کس - گرچه او را کوچک شمارند، و در دیده حقیر بینند - کمتر از آن نیست که در ادای حق به دیگران کمک کند (خطبه ۲۱۶).

و در جای دیگر اوصاف افراد به ویژگی‌هایی از قبیل ورع و تلاشگری و عفت و استواری را به مثابه اعانت ایشان به خود معرفی می‌کند: «مرا با ورع و کوشش در عبادت، و پاکدامنی و درستی یاری کنید» (نامه ۴۵).

۵-۲-۳. گروه‌ها

دومین دسته از کنشگران امنیت در این بخش بعضی از اقشار، اصناف یا طبقات مردمی هستند که با عنوان گروه‌ها از آن یاد می‌کنیم. هر یک از گروه‌ها می‌توانند در یک یا چند نوع از انواع امنیت نقش ایفا کنند. با استقراء در نهج البلاغه دو گروه شاخص زیر به عنوان کنشگران تولید امنیت شناسایی شدند:

الف) عالمان و فعالان فکری و فرهنگی

عالمان دین به شرط ربانیت و عدالت از جمله مهم‌ترین کنشگران تولید امنیت در مکتب

امنیت متعالیه هستند. در نگاه علوی، عالمان حقیقی دین، نزدیک‌ترین افراد به جایگاه پیامبران هستند^۱ و در بُعد عملی نیز بار سنگین تکلیف مقابله با ظلم و ظالم به‌عنوان میثاقی الهی بر دوش ایشان است.^۲ همنشینی و انس حاکم عادل با عالمان و حکما و بهره‌از ظرفیت عظیم آنان در اصلاح امر جامعه و تولید امنیت، از جمله سفارش‌های مؤکد امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر نیز می‌باشد.^۳

ب) تاجران، صنعتگران و پرداخت‌کنندگان مالیات (فعالان اقتصادی)

امام علی علیه السلام در عهدنامه مالک اشتر زنجیره امنیت را این‌گونه می‌بیند: امنیت جامعه با رهبر تأمین می‌شود، امنیت رهبر با مردم، امنیت مردم با نیروهای نظامی، امنیت نیروهای نظامی با مالیات، امنیت مالیات با کارگزاران دولت و قضات، امنیت کارگزاران دولت و قضات با بازرگانان و صاحبان صنایع، امنیت آن‌ها با کنترل و نظارت حکومتی حاصل می‌شود (جهان‌بزرگی، ۱۳۹۳، ۴۵ و ۴۶). در این سخنان بر نقش پررنگ تاجران و صنعتگران و نیز عموم مؤدیان مالیات و تأمین‌کنندگان هزینه‌های حکومت به‌عنوان عناصر اجتماعی و غیردولتی امنیت تأکید شده است.

۵-۲-۴. جامعه (امت)

تعبیر قرآنی و روایی «قوم و امت» و امثال آن تعبیری است که در موارد زیادی به معنای جامعه به‌مثابه یک کل و فاعل واحد اشاره دارد. در آموزه‌های علوی امت یک رکن در نظام ولایی امامت-امت است و بدون حضور کمی و کیفی آن، نظام ولایی معنا نخواهد یافت. در منطق نهج البلاغه بخش مهمی از کنشگری تولید امنیت برعهده جامعه است و جامعه با حاصل ساختن رابطه ولایی با والیان الهی موفق به این توفیق خواهد بود.

۱. «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِالْأَنْبِيَاءِ أَعْلَمُهُمْ بِمَا جَاءُوا بِهِ» (حکمت ۹۵).

۲. «لَوْ لَا... مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ إِلَّا يَقَارُوا عَلَى كَيْفِهِ ظَالِمٌ وَلَا سَعْبٌ مَظْلُومٌ لِأَقْبَتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا» (خطبه ۳).

۳. «وَ أَكْثَرُ مُدَارَسَةِ الْعُلَمَاءِ وَ مُنَاقَشَةِ الْحُكَمَاءِ فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِإِلَادِكَ وَ إِقَامَةِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ» (نامه ۵۳).

از جمله مهم‌ترین گزاره‌هایی که بر این مهم دلالت دارد خطبه ۱۹۲ معروف به «قاصعه» است. در این خطبه حضرت سرنوشت دو گونه امت در ادوار تاریخ را مایه عبرت برای آیندگان برمی‌شمارند: حالت خیر و امن و عزت‌آفرین امت‌های گذشته که در سایه لبیک‌گفتن به ندای بعثت پیامبران و با شاخصه بسیار مهم وحدت و انسجام اجتماعی حاصل می‌شود در برابر حالت شر و ناامن (خوف) و ذلت‌باری که پس از ترک پایداری بر دستاوردهای سابق و پدیدآمدن تفرقه و تشتت و دنیاطلبی و شعله‌وری هواهای نفسانی گریبان‌گیر این جوامع می‌شود.

۵-۳. کنشگران سازمانی امنیت

۵-۳-۱. تأمین امنیت کارویژه اساسی نظام سیاسی اسلامی

از مهم‌ترین کارویژه‌های دولت در همه مکاتب و اندیشه‌های سیاسی تولید و حفظ امنیت است و سیاست علوی از این قاعده مستثنا نیست، با این تفاوت که در مکاتب اصالت قدرت (سیاست متدانیه) امنیت دنیایی هدف است و در نظام سیاسی هدایت‌محور که قدرت را ابزار (نه هدف) تلقی می‌کند، امنیت متعالیه و الهی هدف است.^۱

در نگرش علوی، نظام‌های سیاسی جائز و جاهلیت‌بنیاد با ظلم و پایمال نمودن حقوق توده‌های مردم آنان را به بردگی کشیده و ساختار طبقاتی استکبار-استضعاف را که مذبذبه امنیت است برقرار می‌کنند؛ لذا کارویژه بنیادین حکومت عدل در تقابل و تضاد با این رویکرد معنا می‌یابد. اقامه حقوق مستضعفان و ستاندن حق مظلوم از ظالم و مهار قدرت اقویا بدون آنکه ظلمی به آنان صورت پذیرد تفاوت کارکردی حکومت نیک از بد است که ریشه‌های تولید امنیت را باید در آن جست‌وجو کرد.^۲

همه نهادهای حاکمیتی از شئون کارگزاری نهاد اصلی سیاست و دولت هستند و وظایف

۱. «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنَّهُ لَمْ يَكُنْ الَّذِي كَانَ مِنَّا مُنَافَسَهُ فِي سُلْطَانٍ وَلَا التَّمَّاسَ شَيْءٌ مِنْ فَضُولِ الْحُطَّامِ وَ لَكِنْ لِنَرِدَ الْمَعَالِمَ مِنْ دِينِكَ وَ نَظْهَرَ الْأَضْلَاحَ فِي بِلَادِكَ فَيَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِكَ وَ تَقَامَ الْمُعْطَلَّةُ مِنْ حُدُودِكَ» (خطبه ۱۳۱).

۲. «الدَّلِيلُ عِنْدِي عَزِيزٌ حَتَّى آخُذَ الْحَقَّ لَهُ وَ الْقَوِيُّ عِنْدِي صَعِيفٌ حَتَّى آخُذَ الْحَقَّ مِنْهُ» (خطبه ۳۷).

آن را در قالب نظام‌های خُرد انجام می‌دهند. عهدنامه مالک‌اشتر شاخص‌ترین متن در این حوزه محسوب می‌شود و بایستی توصیه‌های حضرت به مالک‌اشتر را به‌عنوان مَرَام‌نامه نظام‌سازی و نهادسازی در الگوی دولت علوی تلقی کرد.

۵-۳-۱-۱. مجریان امنیت سیاسی

امنیت سیاسی عبارت است از مصونیت یک فرد، گروه یا ملت از تعرض و تجاوز به حقوق سیاسی مشروعشان (جهان‌بزرگی، ۱۳۹۳، ۱۰۹). بنابراین، جلوگیری از استکبار، استعمار و تحقق استقلال و آزادی مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت سیاسی است.

امنیت سیاسی را نمی‌توان به بخش یا نهاد خاصی از ساختار حکومت عادلانه منتسب ساخت، بلکه تمامی کنشگران نظام سیاسی هدایت و البته در رأس همه شخص پیشوا و حاکم، کنشگر امنیت سیاسی به‌شمار می‌روند. در اندیشه علوی، حاکم و سلطان مهم‌ترین عنصر در صیانت دین است «السُّلْطَانُ وَرَعَاهُ اللَّهُ فِي أَرْضِهِ (حکمت ۳۳۲)؛ حاکمان پاسبانان خداوند در زمین‌اند». «وَرَعَاهُ» جمع «وازع» به‌معنای مانع است. درحقیقت، حاکم مانع ظلم و جهل و بی‌عدالتی است و با حضورش از ارزش‌های الهی و انسانی حفاظت می‌کند به‌همین دلیل، اگر نظام سیاسی و شخص حاکم فاسد شود زمانه و حال‌وروز جامعه به‌کلی تغییر کرده و از حال صلاح به‌سمت فساد و استبداد و از حالت امن به‌سمت خوف حرکت می‌کند «إِذَا تَغَيَّرَ السُّلْطَانُ تَغَيَّرَ الزَّمَانُ؛ هرگاه وضع سلطان دگرگون شود اوضاع زمانه تغییر کند» (نامه ۳۱).

۵-۳-۱-۲. مجریان امنیت فرهنگی

امنیت فرهنگی وضعیتی است که در آن بینش و جهان‌بینی، ارزش‌ها و گرایش‌ها و درنهایت آداب و رسوم جامعه مورد تهدید و آسیب قرار نگیرد و دستخوش تغییر و تحول نشود (همتیان، ۱۳۹۲، ۶۰). امنیت فرهنگی به‌معنای از بین بردن تنوع‌ها و تفاوت‌های فرهنگی نیست؛ چراکه تنها امتیاز انسان‌ها نزد خداوند درجه تقوا و پرهیزگاری آن‌هاست (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶، ۳۵). حاکم عادل مشروع در نظام سیاسی توحیدی اولین کنشگر و مؤلِّد امنیت فرهنگی است؛ همان‌گونه که در نقطه مقابل در صدر کنشگران تهدیدکننده امنیت

فرهنگی در چهارچوب نظام جور، حاکم جائر قرار می‌گیرد. در ادبیات علوی دو کلیدواژه «سنت» و «بدعت» از مهم‌ترین مفاهیم مبین این حوزه هستند:

آگاه باش که برترین بندگان خدا نزد خدا پیشوای عادل‌ی است که هدایت شده و هدایت کند، سنت معلومی را به‌پا دارد و بدعت مجهولی را بمیراند. سنت‌ها نورانی هستند و دارای نشانه‌های مشخص، و بدعت‌ها آشکارند و دارای علائم معلوم، و بدترین مردم نزد خداوند حاکم ستمکاری است که گمراه است و گمراه‌کننده، سنت در دست عمل را از بین ببرد، و بدعت‌های متروکه را زنده کند (خطبه ۱۶۴).

از حیث ساختاری و نهادی در الگوی حکمرانی امام علی علیه السلام، والیان مناطق گوناگون نیز کارگزاران امنیت فرهنگی هستند؛ سراسر عهدنامه مالک‌اشتر گواه این مدعاست. از بخشی از سفارش‌های امام علی علیه السلام به مالک‌اشتر نیز می‌توان چنین برداشت کرد که علاوه بر مسئولیت ذاتی حاکم و فرمانداران در تولید و حراست از امنیت فرهنگی، وجود نهادی فرهنگی با کارویژه‌ای مشورتی متشکل از عالمان و حکیمان (نخبگان فکری فرهنگی) در راستای صیانت از فرهنگ‌ها و سنت‌های اصیل جامعه یا بازتولید آن‌ها امری ضروری است.^۱ همچنین سفارش ایشان در خصوص توجه حاکمان به آموزش و پاسداری از آداب اسلامی^۲ و امر تعلیم و تربیت نیز از نکات برجسته در این حوزه است.^۳

۵-۳-۱-۳. مجریان امنیت اقتصادی

مقصود از امنیت اقتصادی وجود فضای امن برای فعالان اقتصادی در راستای پیشبرد اهداف اقتصادی است. در الگوی اقتصاد علوی «امنیت اقتصادی» مبتنی است بر نفی قانون تنازع بقا، ارزشمندی احسان و نیکی، رقابت مسئولانه به‌جای رقابت نابودکننده، و تعاون و اخوت. در اقتصاد علوی منافع شخصی مادی یگانه‌انگیزه فعالیت اقتصادی نیست، بلکه

۱. «وَلَا تُحَدِّثَنَّ سَنَّهُ تَصْرُفِ بِشَىْءٍ مِنْ مَاضِي تِلْكَ السَّنَةِ فَيَكُونَ الْأَجْرُ لِمَنْ سَنَّهَا وَ الْوِزْرُ عَلَيْكَ بِمَا نَقَضْتَ مِنْهَا وَ أَكْثَرُ مُدَارَسَةِ الْعُلَمَاءِ وَ مُنَاقَشَةِ الْحُكَمَاءِ فِي تَثْبِيْتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِإِلَادِكَ وَ إِقَامَهُ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ» (نامه ۵۳).

۲. «أَمَّا بَعْدُ فَأَقِمِ لِلنَّاسِ الْحَجَّ وَ ذَكِّرْهُمْ بِأَيَّامِ اللَّهِ وَ اجْلِسْ لَهُمُ الْعَصْرَيْنِ فَأَقِتِ الْمُسْتَقْتَبِي وَ عِلْمَ الْجَاهِلِ وَ ذَاكِرِ الْعَالِمِ» (نامه ۶۷).

۳. «فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَيَّ... وَ تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَ تَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا» (خطبه ۳۴).

رعایت منافع عمومی و منفعت شخصی معنوی جایگاه ویژه‌ای در فعالیت اقتصادی دارد (یوسفی، ۱۳۸۷، ۳۲۱-۳۲۵).

حمایت و تأمین حقوق فعالان اقتصادی و نیز نظارت و مجازات در صورت تولید فساد و ناامنی، دو رکن سیاست امنیت اقتصادی امام‌علی^۷ را شکل می‌دهد که در عهدنامه مالک‌اشتر مورد تأکید است. در نگرش علوی، حقوق اجتماعی به شکل طرفینی تعریف می‌شود و از آنجاکه کنشگران صالح و سالم اقتصادی نقش کلیدی در تنظیم چرخه نظامات اجتماعی ایفا می‌کنند، حقوقی نیز به نفع ایشان برعهده حاکمیت تعریف می‌شود که مهم‌ترین آن‌ها تأمین امنیت است و البته در کنار این، چون در این قشر زمینه فساد و انحراف زیاد است، بر نظارت مجدّدانه و پیشگیری از وقوع فساد و مجازات احتمالی نیز تأکید بسیاری شده است. در کتاب *تُحْفُ الْعُقُولِ*، که از منابع روایت عهدنامه مالک‌اشتر است، جملات زیر نیز نقل شده است که صراحت بیشتری در مورد وظیفه حاکمیت در تأمین امنیت فعالان اقتصادی دارد: «فَاخْفِظْ حُرْمَتَهُمْ وَ آمِنْ سُبُلَهُمْ وَ خُذْ لَهُمْ بِحُقُوقِهِمْ؛ حرمت ایشان را پاس دار و راه‌های مواصلاتی‌شان را امن کن و حقوقشان را به نفع ایشان اخذ کن» (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ۱۴۰).

۵-۳-۱-۴. مجریان امنیت قضائی

امنیت قضائی همچون چتری است که ابعاد دیگر امنیت را پوشش داده و حمایت می‌کند و شاخصه‌هایی از قبیل اعتماد شهروندان به قوه قضائیه توانمند و سالم، دسترسی آسان به دادگاه، احترام و التزام به قانون و تساوی تمام افراد جامعه در برابر قانون دارد (اخوان کازمی، ۱۳۸۶، ۲۶۸). امام‌علی^۷ وجود نهاد عادلانه قضائی را با تمام ویژگی‌های سازمانی و فردی و با عنایت به تکالیف حاکمیت در برابر آن از ارکان ایجاد امنیت پایدار و دستیابی به عدالت در جامعه توحیدی برمی‌شمارد. عهدنامه مالک‌اشتر از صریح‌ترین و مهم‌ترین متون در این خصوص نیز تلقی می‌شود.

۵-۳-۱-۵. مجریان امنیت نظامی

امنیت نظامی مصونیتی است که هم با ابزار نظامی به خطر می‌افتد و هم با ابزار نظامی تأمین

می‌شود و جنس آن نظامی است (جهان‌بزرگی، ۱۳۹۳، ۹۱). از بُعد ساختاری و نهادی دولت اسلامی در اندیشه علوی، ضرورت وجود نهاد نظامی که با عنوان ارتش می‌توان از آن یاد کرد، روشن‌تر از آن است که مورد بحث قرار گیرد. کارگزاران این نهاد را می‌توان به‌طور کلی در سه طبقه فرماندهی کلّ قوا، فرماندهان ارشد و میانی و نیز عموم لشکریان که در حکم سربازان و پیاده‌نظام آن هستند برشمرد. در عهدنامه مالک‌اشتر در باب معیار گزینش فرماندهان نظامی چنین آمده است:

آن که پیش تو نسبت به خداوند و پیامبر و پیشوایت خیرخواه‌تر و پاکدامن‌تر و بردبارتر است او را به فرماندهی ارتشت انتخاب کن؛ از آنان که دیر به‌خشم آیند و پوزش‌پذیرترند، و به ناتوانان مهربان، و در برابر زورمندان گردنفرزند، و از آنان که خشونت او را برنیاگیرد، و ناتوانی وی را بر جای نماند (نامه ۵۳).

این سخنان مبین شاخص «شجاعت» در منطق امام‌علی علیه السلام است. شجاعت خصلتی است که در نتیجه مهار قوه غضبیه و تحت حاکمیت عقل درآوردن آن، حاصل می‌شود. در اندیشه علوی برخلاف ارزش‌های مکاتب متدانی امنیت، میدان‌های نظامی نه تنها عرصه میدان‌داری غضب و خشونت نیست بلکه عرصه مهار خشم و غضب و حاکم ساختن عقل بر آن است و این‌گونه است که عدالت لازم برای کارگزاری در این عرصه با تجلّی ویژگی شجاعت معنا می‌یابد.

۶. نتیجه‌گیری

جهان امروز گرفتار انحطاط امنیتی است. تنها راه برون‌رفت از این انحطاط بازگشت به توحید و عدالت با محوریت قرآن و عترت است. یکی از این اندیشه‌هایی که می‌تواند در این جهت راهنمای بشر امروز باشد اندیشه امام‌علی علیه السلام است. مقاله حاضر با تمرکز بر کارگزاران امنیت سعی در مشارکت در ارائه راهکار برای خروج از بن‌بست‌های امنیتی جهان امروز داشت. اهمیت این اندیشه از آنجا بیشتر روشن می‌شود که مطالعات متدوال امنیت در مکاتب گوناگون، کمتر به بررسی ابعاد فرامادی امنیت از قبیل امنیت اخروی و کنشگران ماورایی امنیت می‌پردازند. این تأکید به‌منزله ایجاد دوسویه متباین و بی‌ارتباط در این اندیشه

و راهکار و رویکرد امنیتی نیست، بلکه به آن معناست که امنیت دنیوی و مادی در ابعاد و سطوح گوناگون آن در پیوندی وثیق با ابعاد فرامادی دیده می‌شود. در این مبحث بر این معنا تأکید می‌شود که خدای متعال علت‌العلل و در رأس کنشگران تولید امنیت است و فاعلیت دیگر کنشگران، از قبیل پیشوایان هدایت، مردم، نهادها و سازمان‌های تولیدکننده امنیت در طول فاعلیت خداوند متعال ملاحظه می‌شود.

عنایت به مبانی هستی‌شناختی در امنیت متعالی علوی که در آن رابطه هدفمند اجزای خلقت، انسان، دنیا و آخرت و سعادت و شقاوت مادی و روحی بشر مورد تأکید است، در بحث کنشگران امنیت این نتیجه را به همراه دارد که سطح بحث منحصر در سطح نظام سیاسی و دولت نخواهد ماند و انسان با تمام طول حیاتش که حیاتی مادی و سپس حیاتی جاودانه و ابدی دارد در ارتباط با همه محیط‌زیست او که گستره‌ای به وسعت دنیا و آخرت است، به‌عنوان کنشگر امنیت شناخته می‌شود. از این رهگذر، اتصاف افراد و آحاد انسان‌ها به ویژگی‌هایی از قبیل: ایمان، تقوا، خوف از خدا و مانند آن در چهارچوب کنشگری امنیت تحلیل می‌شود.

تحلیل داده‌های پژوهش نشان داد که در رأس کنشگران انسانی امنیت، پیشوایان هدایت و رهبران الهی، یعنی پیامبران و جانشینان ایشان، قرار دارند. پیشوایان هدایت در حقیقت با هدایت انسان در راستای شناخت حقایق متعالی نظام خلقت و تعیین خط‌مشی زندگی براساس آن نظام بینشی و با مبارزه با نظام جور و جاهلیت، امنیت دنیوی و اخروی انسان‌ها را در یک خط امتدادی هدف می‌گیرند. گروندگان به ایشان، که همان مؤمنان هستند، در سه لایه فرد، گروه‌های اجتماعی و جامعه یا امت ایمانی نقش کنشگرانه در تولید امنیت ایفا می‌کنند. در نگاه علوی، افراد و آحاد جامعه ایمانی به‌عنوان یک شخصیت حقیقی و صرف نظر از جایگاه حقوقی و سازمانی، با اتصاف به ویژگی ایمان و تقوا به منزله یک سلول از پیکره جامعه در ایجاد امنیت در ابعاد گوناگون نقش‌آفرین‌اند. به عبارت دیگر، می‌توان گفت دایره مسئولیت افراد در نظام اجتماعی و سیاسی مطلوب علوی که نظام ولایی امامت-امت است در حوزه نهادهای رسمی دولت منحصر نیست و تمام افراد جامعه در این نظام هم صاحب‌حق و هم صاحب‌تکلیف و مسئول هستند و عمل افراد به مسئولیت‌های فردی و

اجتماعی عامل تولید امنیتی متعالی و همه‌جانبه در جامعه است. این رویکرد در نگاهی جامع و وسیع به نقش گروه‌های اجتماعی در تولید امنیت می‌پردازد و در سطح کلان بر نقش جامعه و امت واحد اسلامی در تولید امنیتی فراگیر، پایدار و رضایت‌بخش تأکید می‌کند. در کنار این نگرش، آموزه‌های علوی بر مسئله نظام سیاسی و نهادسازی در حوزه امنیت کاملاً توجه دارد و از نقش نظام سیاسی و نهادها و سازمان‌های دولتی در تولید انواع گوناگون امنیت، از قبیل سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و قضایی فروگذار نمی‌کند؛ اما چنان‌که روشن است دولت مطلوب علوی در راستای انسان‌سازی مطلوب و رشد و تعالی الهی با زمینه‌سازی سعادت دنیوی معنا می‌یابد و مهم‌ترین ویژگی کُنشگران سازمانی امنیت، اتصاف به ویژگی‌های انسانی در چهارچوب انسان‌شناسی علوی، یعنی حکمرانی عقل بر شهوت، غضب و وهم، برای نیل به عفت، شجاعت و حکمت و بصیرت و اتصاف به صفت عقلانیت، تقوا و عدالت است.

کتابنامه

قرآن کریم

- ابن فارس، احمد بن فارس (۱۴۰۱). معجم مقاییس اللغة، قم: مکتب الإعلام الإسلامی، مرکز النشر.
- ابن شعبه، حسن بن علی (۱۳۶۳). تحف العقول، قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه بقم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۳.
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۶). امنیت در نظام سیاسی اسلام، تهران: کانون اندیشه جوان، ۱۳۸۶.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). «استراتژی امنیتی دولت علوی»، مطالعات راهبردی، س ۸، ش ۲۹، ص ۴۵۹-۸۴۶.
- ایمان، محمد تقی و محمود رضا نوشادی (۱۳۹۰). «تحلیل محتوای کیفی»، عیار پژوهش در علوم انسانی، س ۳، ش ۶، ص ۱۵-۴۴.
- بوزان، باری (۱۳۷۸). مردم، دولت‌ها و هراس، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهداروند، محمد مهدی (۱۳۸۰). «امنیت از دیدگاه امام علی (ع)»، دانش انتظامی، ۱۳۸۰، ش ۸، ص ۱۱-۳۷.

بهرامی، سیاوش (۱۳۸۴). «درآمدی بر امنیت در سپهر اندیشه امام‌علی»، دانش انتظامی، ۱۳۸۴، ش ۲۷، ص ۱۲۲-۱۳۸.

جهان‌بزرگی، احمد (۱۳۹۳). امنیت در نظام سیاسی اسلام (اصول و مؤلفه‌ها)، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

خان‌احمدی، اسماعیل (۱۳۹۱). «امنیت پایدار در نظام سیاسی اسلام از دیدگاه نهج‌البلاغه»، آفاق امنیت، س ۵، ش ۱۵، ۱۴۹-۱۸۷.

دستجانی‌فراهانی، رضوانه (۱۳۹۲). امنیت از نگاه امام‌علی علیه السلام، تهران: دانشگاه علامه طباطبائی.

دلشاد‌تهرانی، مصطفی (۱۳۹۴). وادی ایمن (ساختارشناسی امنیت در نهج‌البلاغه) تهران: دریا، ۱۳۹۴.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳). لغتنامه دهخدا، تهران: دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین‌بن‌محمد (۱۴۱۲). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت: دار الشامیه.

سایق، یزید (۱۳۷۷). امنیت در کشورهای در حال توسعه (رویارویی با سده بیست‌ویکم)، ترجمه مصطفی ایمانی و علیرضا طیب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

شریف‌الرضی، محمدبن‌حسین (۱۳۸۸). نهج‌البلاغه، ترجمه حسین انصاریان، قم: دارالعرفان.

طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۸۷). نهایت فلسفه (ترجمه نه‌ایه‌الحکمه)، ترجمه مهدی تدین و سیده‌ادی خسروشاهی، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

طبیعی، منصور (۱۳۷۹). سیمای امنیت در نهج‌البلاغه، تهران: سازمان عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی.

عبداللهی، حمزه (۱۳۹۷). بررسی نقش امنیت در تداوم و پیشرفت حکومت اسلامی از دیدگاه امام‌علی علیه السلام، خرم‌آباد: دانشگاه لرستان، ۱۳۹۷.

قرشی‌بنابی، علی‌اکبر (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

کلاه‌چیان، محمود (۱۳۹۸). «کارگزاران امنیت در مکتب امنیتی جمهوری اسلامی ایران»، آفاق امنیت، س ۱۲، ش ۴۳، ص ۵-۳۲.

گل‌مکانی، وجیهه و دیگران (۱۳۹۶). «نقش کارگزاران امام‌علی علیه السلام در تأمین امنیت اقتصادی»، مطالعات تاریخ اسلام، س ۹، ش ۳۴، ص ۱۳۱-۱۶۰.

لک‌زایی، نجف (۱۳۹۸). امنیت متعالیه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

کُنشگران مؤید امنیت متعالیه از دیدگاه نهج البلاغه - سیدحمید موسوی (۱۲۱-۹۴) / ۱۲۱

لکزایی، محمدعلی (۱۳۹۷). تأثیر امنیت بر تمدن از منظر نهج البلاغه، دانشگاه معارف اسلامی قم.

مرتضی زبیدی، محمدبن محمد (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس، محمدبن یعقوب فیروزآبادی و علی شیری، بیروت: دارالفکر.

مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). آموزش فلسفه، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۹۴. مطهری، حمیدرضا (۱۳۸۵). «سیره امنیتی امیرالمؤمنین امام علی (ع)»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۹، ش ۳۳، ص ۱۰۷-۱۲۰.

معین، محمد. فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵). پیام امام امیرالمؤمنین (ع)، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

موسوی خمینی، سیدروح الله (۱۳۹۲). تفسیر سوره حمد، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).

_____ (۱۳۷۸). صحیفه امام؛ نرم افزار. قم: مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).

نوبری، علیرضا و سیدشهاب الدین یعقوبی هیق (۱۳۹۹). «تحلیل محتوای نامه‌های امام علی (ع) به کارگزاران با محوریت اصول حکمرانی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، ۱۳۹۹، س ۸، ش ۱۷، ص ۴۱-۷۱.

نوبری، علیرضا و مهدی جامعی (۱۳۹۹). «تحلیل محتوای نامه‌های امام علی (ع) به معاویه با محوریت واکاوی سهم اخلاق در مناسبات حکومتی»، پژوهش‌های سیاست اسلامی، س ۸، ش ۱۸، ص ۳۹-۷۱.

همتیان، علی اصغر (۱۳۹۲). امنیت اجتماعی در آموزه‌های وحیانی، قم: مؤسسه بوستان کتاب. یوسفی، احمدعلی (۱۳۸۷). نظام اقتصاد علوی، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.